



جمال رحمتی



قوم‌گرایی در ایران انجام شده است.

او درباره قومیت‌گرایی اقوام مختلف ایرانی، به نقل از رفیعی مدیر اسبق سازمان نظرسنجی آسیا می‌گوید: «بر اساس نظرسنجی‌ها از ایرانیان پرسیده شده «تا چه حد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنید؟» در پاسخ ۸۳ درصد مردم ایران پاسخ داده‌اند که به ایرانی بودن خود زیاد و خیلی زیاد افتخار می‌کنیم. بنابراین اساساً مردم ایران چه ترک، چه کرد، قوم‌گرا نیستند. حتی ایرانی‌ها از میان هویت‌های مذهبی، ملی و قومی، در میان‌شان هویت ملی از همه قوی‌تر و هویت قومی از همه ضعیف‌تر است. برابر پیمایش‌های موجود مردم ایران بیش از همه خود را ایرانی می‌دانند.» این جامعه‌شناس تأکید می‌کند که هم سخنگویان «خالص‌گرایان» و هم «تحریم‌گران» در رسانه‌های ماهواره‌ای از شکست در این انتخابات به شدت عصبانی هستند و به نادرست‌ترین تخطئه این پیروزی به «ابزار قومیت» متوسل شده‌اند. این درحالیست که اتفاقاً انتخابات ۱۴۰۳ اثر ترمیمی داشته و «پان‌های» بیرون مرزی را ناکام گذاشته است.

سیستان و بلوچستان هم رای قومیتی داد؟

رحمن قهرمان پور، تحلیلگر انتخاباتی می‌گوید: «در ادبیات سیاسی دو مفهوم چگونگی رای دادن اقلیت‌ها و قومیت‌ها مطرح هستند. مفهوم اول در ایران به اشتباه به جای مفهوم دوم به کار می‌رود. در کشورهایی مثل سرلانکا، نیجریه یا اندونزی می‌توانیم از مفهوم رای قومیتی استفاده کنیم. مثلاً در اندونزی، مسلمانان به‌چینی تبار‌ها رای نمی‌دهند. در نیجریه، اصل نظام انتخاباتی بر اساس تقسیم قدرت میان قومیت‌ها طراحی شده است. اما در ایران، چنین مسئله‌ای وجود ندارد و ما با رای دادن نوع اول رای اقلیت‌ها روبه‌رو هستیم. به‌عنوان مثال اهل سنت عموماً به نامزدهایی تمایل نشان می‌دهند که مطالبات آن‌ها را مطرح کرده‌اند. مثلاً رای خاتمی در استان‌های سنی‌نشین معمولاً بیشتر بوده. اما اگر بخواهیم مسئله را قومیتی نگاه کنیم، قاعدتاً پزشک‌ان نباید در کرمانشاه، کردستان و سیستان و بلوچستان رای می‌آورد. او می‌افزاید: «معمولاً رفتارهای محافظه‌گرایانه در مرکز کشور بیشتر است و در مناطق پیرامون بیشتر شاهد اقبال به اصلاح‌طلبان هستیم. البته این قاعده فقط به ایران محدود نیست. مثلاً در کره جنوبی، بخش‌های توسعه‌یافته‌تر به لیبرال‌ها نزدیک هستند. بنابراین باید بگوییم که این تقسیم رای و گرایش‌ها، کاملاً طبیعی است. آن رایی که به آقای پزشک‌ان داده شد، رای اقلیت‌ها و قومیت‌ها (نه رای دهی قومیتی) بود که معمولاً به اصلاح‌طلب‌ها تمایل است.» قهرمان پور با اشاره به اهمیت رای جغرافیایی هم عنوان می‌کند: «در پیرامون ایران و استان‌های سنی‌نشین، معمولاً تمایل برای رای دادن به نامزدهای اصلاح‌طلب بیشتر است. یک الگوی ثابت هم داریم که مربوط به استانی است که سیاستمدار به آن تعلق دارد. سیاستمدار در استان خود رای خیلی خوبی دارد. رئیس در خراسان شمالی، جنوبی و رضوی یا آقای خاتمی در یزد، و آقای پزشک‌ان در تبریز رای بالایی داشتند. پزشک‌ان یک ویژگی مهم دارد و آن نیز مطرح بودن به‌عنوان یک سیاستمدار منطقه‌ای است. پزشک‌ان از زمانی که وزیر شد و دوران بعد آن، همواره در استان‌های شمال غرب کشور فعال بود و کنشگری می‌کرد. برای حمایت از نامزدهای مختلف اصلاح‌طلب، سخنرانی می‌کرد، به مناطق مختلف سرکشی می‌کرد. به همین دلیل در منطقه اورا می‌شناختند. این را مقایسه کنید با آقای مهرعلیزاده که با اینکه خودش زاده آذربایجان بود ولی به‌عنوان سیاستمدار محلی، مطرح نبود.» این تحلیلگر انتخابات نتیجه می‌گیرد که پزشک‌ان به خاطر مجموع این علت‌ها و عوامل، در استان‌هایی مثل آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان و حتی کردستان و کرمانشاه رای بالایی آورد. چرا که برای مردم شناخته‌شده بود و ارتباط رودررو با آن‌ها داشت. چنین اتفاقی برای همتی در انتخابات ۱۴۰۰ نیفتاد. زمانی می‌توانیم بگوییم رای قومیتی داده می‌شود که شکاف‌های قومیتی وجود داشته و اقوام با یکدیگر زاویه داشته باشند. ما چنین وضعیتی در ایران نداریم.» او تأکید می‌کند که استفاده از این مفاهیم در امر سیاسی حساس و خطرناک است: «اگر به این مسائل دامن زده شود، ممکن است برای جامعه عواقبی در پی داشته باشد. البته در یک جامعه‌مومکراتیک بیواپایدتوانیم مسائل مختلف را مطرح‌ها و آن‌ها را ردپوششده‌ها مطالعه کنیم و نمی‌توانیم بگوییم نگاه‌های هویتی خاص در ایران اصلاً وجود ندارد و ممکن نیست که آن‌ها با نگاه خوش‌بینانه به پزشک‌ان رای داده باشند. اما این میزان به قدری بالا نیست که تعیین‌کننده و عامل اصلی پیروزی مسعود پزشک‌ان باشد. نمی‌توان یک متغیر را عامل پیروزی یک نامزد انتخاباتی دانست.»



رحمن قهرمان پور، تحلیلگر انتخاباتی می‌گوید:

سیاسی دو مفهوم چگونگی رای دادن اقلیت‌ها و قومیت‌ها مطرح هستند. مفهوم اول در ایران به اشتباه به جای مفهوم دوم به کار می‌رود. در کشورهایی مثل سرلانکا، نیجریه یا اندونزی می‌توانیم از مفهوم رای قومیتی استفاده کنیم. مثلاً در اندونزی، مسلمانان به‌چینی تبار‌ها رای نمی‌دهند. در نیجریه، اصل نظام انتخاباتی بر اساس تقسیم قدرت میان قومیت‌ها طراحی شده است. اما در ایران، چنین مسئله‌ای وجود ندارد و ما با رای دادن نوع اول رای اقلیت‌ها روبه‌رو هستیم. به‌عنوان مثال اهل سنت عموماً به نامزدهایی تمایل نشان می‌دهند که مطالبات آن‌ها را مطرح کرده‌اند. مثلاً رای خاتمی در استان‌های سنی‌نشین معمولاً بیشتر بوده. اما اگر بخواهیم مسئله را قومیتی نگاه کنیم، قاعدتاً پزشک‌ان نباید در کرمانشاه، کردستان و سیستان و بلوچستان رای می‌آورد. او می‌افزاید: «معمولاً رفتارهای محافظه‌گرایانه در مرکز کشور بیشتر است و در مناطق پیرامون بیشتر شاهد اقبال به اصلاح‌طلبان هستیم. البته این قاعده فقط به ایران محدود نیست. مثلاً در کره جنوبی، بخش‌های توسعه‌یافته‌تر به لیبرال‌ها نزدیک هستند. بنابراین باید بگوییم که این تقسیم رای و گرایش‌ها، کاملاً طبیعی است. آن رایی که به آقای پزشک‌ان داده شد، رای اقلیت‌ها و قومیت‌ها (نه رای دهی قومیتی) بود که معمولاً به اصلاح‌طلب‌ها تمایل است.» قهرمان پور با اشاره به اهمیت رای جغرافیایی هم عنوان می‌کند: «در پیرامون ایران و استان‌های سنی‌نشین، معمولاً تمایل برای رای دادن به نامزدهای اصلاح‌طلب بیشتر است. یک الگوی ثابت هم داریم که مربوط به استانی است که سیاستمدار به آن تعلق دارد. سیاستمدار در استان خود رای خیلی خوبی دارد. رئیس در خراسان شمالی، جنوبی و رضوی یا آقای خاتمی در یزد، و آقای پزشک‌ان در تبریز رای بالایی داشتند. پزشک‌ان یک ویژگی مهم دارد و آن نیز مطرح بودن به‌عنوان یک سیاستمدار منطقه‌ای است. پزشک‌ان از زمانی که وزیر شد و دوران بعد آن، همواره در استان‌های شمال غرب کشور فعال بود و کنشگری می‌کرد. برای حمایت از نامزدهای مختلف اصلاح‌طلب، سخنرانی می‌کرد، به مناطق مختلف سرکشی می‌کرد. به همین دلیل در منطقه اورا می‌شناختند. این را مقایسه کنید با آقای مهرعلیزاده که با اینکه خودش زاده آذربایجان بود ولی به‌عنوان سیاستمدار محلی، مطرح نبود.» این تحلیلگر انتخابات نتیجه می‌گیرد که پزشک‌ان به خاطر مجموع این علت‌ها و عوامل، در استان‌هایی مثل آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان و حتی کردستان و کرمانشاه رای بالایی آورد. چرا که برای مردم شناخته‌شده بود و ارتباط رودررو با آن‌ها داشت. چنین اتفاقی برای همتی در انتخابات ۱۴۰۰ نیفتاد. زمانی می‌توانیم بگوییم رای قومیتی داده می‌شود که شکاف‌های قومیتی وجود داشته و اقوام با یکدیگر زاویه داشته باشند. ما چنین وضعیتی در ایران نداریم.» او تأکید می‌کند که استفاده از این مفاهیم در امر سیاسی حساس و خطرناک است: «اگر به این مسائل دامن زده شود، ممکن است برای جامعه عواقبی در پی داشته باشد. البته در یک جامعه‌مومکراتیک بیواپایدتوانیم مسائل مختلف را مطرح‌ها و آن‌ها را ردپوششده‌ها مطالعه کنیم و نمی‌توانیم بگوییم نگاه‌های هویتی خاص در ایران اصلاً وجود ندارد و ممکن نیست که آن‌ها با نگاه خوش‌بینانه به پزشک‌ان رای داده باشند. اما این میزان به قدری بالا نیست که تعیین‌کننده و عامل اصلی پیروزی مسعود پزشک‌ان باشد. نمی‌توان یک متغیر را عامل پیروزی یک نامزد انتخاباتی دانست.»

انتخابات؛ فرآیند و پیامد



حسن بختیاریزاده
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری به پیروزی مسعود پزشک‌ان در دور دوم رقابت‌ها منجر شد. اکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که این انتخابات چه ویژگی‌هایی داشت، چه فرآیندی طی کرد و کدام پیامدهای احتمالی را به همراه خواهد داشت؟

۱ رقابت انتخابات با ثبت‌نام اصلاح‌گرایان و اصلاح‌طلبان شناخته‌شده همراه شد. لاریجانی، اخوندی، پزشک‌ان، بدرپاش، قالیباف، جلیلی، پورمحمدی و احمدی‌نژاد، از جمله مهمترین داوطلبان بودند. مدیران دولت رئیسی تلاش کردند در اقدامی کم‌سابقه با نگارش نامه‌ای شورای نگهبان را قانع کنند صلاحیت وزیر ارشاد دولت رئیسی را تأیید کنند. انتشار این نامه، مدیران امضاکننده آن را در شرایط دشواری قرار داد. می‌توان احتمال داد رقابت‌ای درونی دولت سبب شد این نامه فاش شود. سرانجام شورای نگهبان صلاحیت پنج اصل‌گرا و یک اصلاح‌طلب را تأیید کرد.

۲ این موضوع مشخص بود که پزشک‌ان، جلیلی و قالیباف کاندیداهای اصلی و قاضی‌زاده و زاکانی کاندیداهای پوششی هستند و پورمحمدی اصول‌گرای مستقل حاضر در عرصه رقابت است. تحلیل هاوگمانه‌زنی‌ها نشان می‌داد قالیباف و پزشک‌ان کاندیداهای نهایی خواهند بود. حمایت یکپارچه اصلاح‌طلبان از پزشک‌ان و پشتیبانی چهره‌های سابقه‌دار از قالیباف این گزاره را تقویت می‌کرد.

۳ شروع مناظرات انتخاباتی، رقابت را جدی‌تر ساخت. پزشک‌ان با ادبیات آمیخته با متون دینی و قابل فهم برای عموم مردم، از یک‌سوی صدای اصلاح‌طلبان و از جانب دیگر صدای محرومان بود. سعید جلیلی با پافشاری بر تسلط خود بر موضوعات، و با ادبیاتی که برای عموم مردم جذابیت نداشت و با اشاره به موضوعاتی که بسیاری از نخبگان، بی‌اسی بودن آن را مسجل می‌دانستند، در مناظره‌ها حضور داشت. قالیباف تلاش کرد در قامت رئیس‌جمهور آینده از درگیر شدن با پزشک‌ان خودداری کند. زاکانی با ادبیات تند خود قصد داشت همان‌گونه که طرفدارانش می‌گویند به مثابه تانک انقلاب رفتار کند و همین رویکرد باعث شد جوگیر شود و برای پزشک‌ان خط و نشان بکشد. قاضی‌زاده هاشمی، خود را نسخه اصلی دولت رئیسی معرفی کرد و مانند زاکانی به حمله به پزشک‌ان پرداخت. پورمحمدی با ادبیات محکم و نگاه کارشناسی، سبب واکنش مثبت بسیاری شد که هر چند به او رای ندادند اما او را ستایش کردند. پورمحمدی جلیلی را با اشاره به بعضی

خودمان هستیم. اما به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و به این دلیل که پزشک‌ان بر مطالبات ما هم تأکید کرده است به او رای می‌دهیم تا در جایگاه رئیس‌جمهور برای تحقق این مطالبات اقدام کند. دغدغه مردم زاهدان و سایر شهرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصاددوست که می‌تواند مسائل امنیتی هم داشته باشد.»

کم رنگی قومیت‌گرایی در میان ایرانیان



حمیدرضا جلالی پور، جامعه‌شناس هم معتقد است که انتخابات ۱۴۰۳ یک انتخابات جدی و با نتایجی مهم بود: «در درجه اول ایران پیروزی این انتخابات بود. سه نیرو در این انتخابات به‌طور جدی و با تمام قوا فعال بودند. یکی اصول‌گرایان رادیکال که انگیزه قوی داشتند برای اینکه میراث «دولت یکدست» را ادامه دهند. مشاهده کردید که چگونه از امکانات اداری، رسانه‌ای و مالی دولت در جریان انتخابات استفاده کردند. شما کافی است به رفتارهای برخی مسئولان دولتی نگاهی بیاندازید. مثلاً در برج میلاد دهیاران سراسر ایران را جمع کردند تا نامزدشان را تبلیغ کنند!» به گفته او نیروی دوم رسانه‌های ماهواره‌ای بودند که به‌طور متمرکز روی «تحریم» انتخابات کار کردند و دائم پزشک‌ان را تخریب می‌کردند: «در هر مرحله اول هم که شصت درصد مردم در انتخابات شرکت نکردند، آنها گفتند که ای مردم اگر تحریم را در مرحله دوم ادامه دهید کار رژیم یکسره می‌شود. آنها ناکام ماندند و در دور دوم ۱۰ درصد بیشتر مردم در انتخابات شرکت کردند.» به گفته این جامعه‌شناس افزایش مشارکت مردم در دور دوم انتخابات رکورد مهمی بود چون معمولاً در دور دوم میزان مشارکت کمتر از دور اول است: «۳۰ درصد از ۶۰ درصدی که در انتخابات شرکت نکردند، معمولاً در هر انتخاباتی شرکت نمی‌کنند و درست این بود که بگوییم ۳۰ درصد شهروندان ایران آگاهانه شرکت نکردند و رای ندادن آن‌ها اعتراضی بود. بنابراین شایسته است ساختار سیاسی و دولت پزشک‌ان به مطالبات این جمعیت بزرگ ناراضی توجه کنند. اما ماهواره‌ها همین ۳۰ درصد را هم که نیروی برانداز نبودند «تحریمی» و «سرنوشتی طلب» تعریف و تبلیغ کردند اما همانطور که گفتیم در عمل موفق نبودند و ۱۰ درصد مردم اتفاقاً بیشتر شرکت کردند. او نیروی سوم را شهروندان پیاده‌ای می‌داند که با امکانات محدود اصلاح‌جویان و میانه‌روها در جامعه از نامزدی پزشک‌ان دفاع کردند و با دست خالی هم در هر مرحله اول انتخابات هم در مرحله دوم، پزشک‌ان را به پیروزی رساندند. این جامعه‌شناس تأکید می‌کند که با این پیروزی مهم هم «خالص‌گرایان ناکام» و هم «تحریم‌گران سرنوشتی طلب» به شدت از این پیروزی تاریخی مردم ایران عصبانی شده و شروع به تخطئه این پیروزی کردند: «یکی از مکانیزم‌های تخطئه آنها این است که بگویند این پیروزی کار شهروندان ایرانی نبود و کار نیروی قومی بود که از اساس سخن بی‌پایه‌ای است.» جلالی پور این را هم می‌گوید که رفتار انتخاباتی مردم، هم در مرحله اول و هم در مرحله دوم به‌تنها قومیت‌گرایانه نبود که نه‌مال و ایرانی بود: «من به‌سه نشانه اشاره می‌کنم. نشانه اول: آمار مشارکت در هر مرحله اول نشان می‌دهد مشارکت استان آذربایجان شرقی تفاوت معناداری در مقایسه با انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نشان نمی‌دهد و روی ۴۴ درصد ثابت بوده است. درحالی که انتظار می‌رود طبق ادعای پرچسپ‌زنندگان قوم‌گرایی مردم این استان توجه بیشتری برای فرستادن نامزد آذری زبان خود می‌کردند. استان اردبیل هم در انتخابات سال ۱۴۰۰ حدود ۵۵ درصد مشارکت داشت در حالی که در انتخابات اخیر ۴۶ درصد پای صندوق رفته‌اند.» او اضافه کرد: «آذربایجان غربی که در ۱۴۰۰، حدود ۴۶ درصد مشارکت داشتند هم در انتخابات اخیر مشارکت ۴۰ درصد را تجربه کرد. زنجان هم با حضور ۴۶ درصدی در مقایسه با سه سال پیش ۹ درصد کاهش داشت. در کردستان نیز در سال ۱۴۰۰ مشارکت ۳۷ درصدی بود، اما در سال ۱۴۰۳، ۲۷ درصد پای صندوق رای رفته‌اند. جالب آن است که اگر چه این آمار عدم مشارکت و نارضایتی را نشان می‌دهد ولی اتفاقاً خبری از تعصب قومی نسبت به پزشک‌ان نیست.» او می‌گوید: «شنیده‌ام که در محفل برخی طرفداران نامزد شکست خورده گفته شده: چون پزشک‌ان ترک بود ترک‌ها او را رئیس‌جمهور کردند و رای ما در بیشتر استان‌ها از پزشک‌ان بیشتر بود. در بی‌پایه بودن این حرف می‌شود به آمار زیر استناد کرد. در سال ۹۶، در سه استان آذربایجان شرقی، اردبیل و آذربایجان غربی نتایج بدین ترتیب بوده است: آذربایجان شرقی: «روحانی: ۱،۲۸۱،۰۰۰، رئیسی: ۶۶۲،۰۰۰» آذربایجان غربی: «روحانی: ۱،۰۳۰،۰۰۰، رئیسی: ۴۷۳،۰۰۰» اردبیل: «روحانی: ۹۱۲،۰۰۰، رئیسی: ۲۶۱،۰۰۰» نشانه سوم فراتر از رفتار انتخاباتی است و توجه به آمار پیمایش‌هایی است که قبلاً در مورد گرایش به

پیش خود گفته‌اند چه بهتر که اینطور فکر کنند، چون واقعاً قرار نیست که اتفاق تازه‌ای بیفتد! مگر تغییر رئیس‌جمهور قرار است تأثیری داشته باشد؟» او در ادامه نوشت: «واقعاً که قوه قضائیه با این نوع کارها چقدر دقیق و جدی به توصیه رهبری مبنی بر ضرورت اصلاح و چهره‌رسانه‌ای خود اهتمام می‌ورزد!»

عباس عبدی، تحلیلگر و دیگر مشاور روزنامه هم‌میهن هم در شبکه ایکس نوشت: «اگر قرار باشد یک نفر که هم فقه‌بداند و هم حقوق و مهمتر از همه اینکه آزادگی داشته باشد را بر صدر بنشانند او دکتر برهانی است که پدیده ارزشمند دو سال اخیر ایران و سرمایه بزرگ ایران است. زندان کردنش چیزی از او کم نمی‌کند، زندان را در صدر قرار می‌دهد امروز آزادش کنید و نه حتی فراد.» عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دادگستری هم در صفحه خودش در اینستاگرام نوشت: «محسن برهانی حقوقدانی است که از باب دلسوزی و احساس مسئولیت بدون تعارف از کژی‌ها به انتقاد می‌کند و اغلب حرف حق را می‌زند و تا جایی که می‌داند عناد خاصی نه با نظام و نه با اهل‌نالی ندارد. از جناب آقای آژه‌ای ریاست محترم دستگاه قضا انتظار می‌رود گفتنی‌ها به این موضوع فرمایند و موجبات اخلاص وی را از زندان فراهم فرمایند.» علی مجتهدزاده، دیگر وکیل دادگستری هم در شبکه ایکس تأکید کرد: «به زندان فرستادن استاد شریف دانشگاه جناب محسن برهانی که فعلش تنها بیان انتقادات حقوقی بوده و به‌هیچ‌عنوان برای دستگاه قضا جای تافخر ندارد و اجرای رای قطعی ایشان تنها یک روز پس از پیروزی آقای پزشک‌ان برای جامعه پیام بسیار شبهه‌انگیزی دارد.» محمدهادی جعفرپور دیگر حقوقدانی است که به این ماجرا واکنش نشان داد: «استند به ماده یک و شانزده آیین‌نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت این مرجع در راستای دفاع از حیثیت روحانیت تاسیس شده. ماده ۱۶ روحانی را چنین تعریف می‌کند: کسی که ملیت به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً



اعتبار وی کم نمی‌کند؛ به اعتبار زندان می‌افزاید.»

نگاه تحلیلی‌گر

مورد، به شکل پیش‌بینی‌نشده‌ای، به دردمسرا انداخت. پزشک‌ان و جلیلی در مناظره دور دوم رودرروی هم قرار گرفتند. جلیلی در مناظره اول مرحله دوم، تلاش کرد از حمله به پزشک‌ان خودداری کند تا دو قطبی شکل نگیرد. اما روند مناظره به گونه‌ای پیش رفت که حتی بعضی به طنز گفتند جلیلی به پزشک‌ان رأی خواهد داد. جلیلی در مناظره دوم، «خود واقعی» اش را آشکار کرد و ادبیاتی به کار گرفت که بیش از آن که به نفع جلیلی بیانجامد، به آرای پزشک‌ان اضافه کرد.

۴ مشکل اصلی اصول‌گرایان ائتلاف بود این مشکل از آنجایی‌جاییه شد که نظرسنجی‌ها نشان می‌داد جلیلی از اقبال بیشتری برخوردار است و اصول‌گرایان محاسبه‌گر، می‌دانستند اگر جلیلی در برابر پزشک‌ان قرار بگیرد، شکست می‌خورد. اخبار محافل اصول‌گرایان نشان می‌داد اطرافیان جلیلی به‌ویژه مدیران دولت رئیسی از کناره‌گیری جلیلی جلوگیری می‌کنند. اختلاف اصول‌گرایان چنان شد که همه میانجیگری‌ها برای ایجاد ائتلاف کاندیداهای اصول‌گرا شکست خورد. بدین ترتیب قالیباف و جلیلی روز جمعه ۸ تیر، در انتخابات به رقابت پرداختند. جلیلی رأی بیشتری به دست آورد و با پزشک‌ان به مرحله دوم رفت تا اصلاح‌طلبان، به آینده رقابت امیدوار شوند.

۵ این واقعیت که جلیلی، یک سوی رقابت بود، سبب تحقق آرزوی اصلاح‌طلبان و دو قطبی شدن انتخابات شد. این قطبی شدن، سبب حضور بخشی از تحریمی‌ها، پای صندوق رای شد و نتیجه انتخابات را تعیین کرد.

۶ اصلاح‌طلبان با شرایط دشواری روبه‌رو بودند. قریب آنها دارای امکانات مالی فراوان و از حمایت اقلیت سازمان‌یافته برخوردار بود. اصلاح‌طلبان، با ریزش طرفداران خود روبه‌رو بودند چرا که بسیاری از آنها به سبب ناامیدی از اعمال تغییر با کار بست شرکت در انتخابات، حاضر نبودند پای صندوق بایند. بعضی شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز، با روش‌های مختلف تحریم انتخابات را تشویق کردند. اصلاح‌طلبان با تلاش بسیار و با اشاره به خطرات احتمالی برخاسته از پیروزی جلیلی توانستند بخشی از تحریمی‌ها را متقاعد کنند در انتخابات شرکت کنند.

۷ پیروزی پزشک‌ان، جنبش اصلاح‌طلبی را به طور نسبی زنده کرد. اصلاح‌طلبی از یک‌سویه سبب برتری رویکرد خالص‌سازی در ساختار سیاسی و از جانب دیگر به علت تبلیغ براندازی، زیر فشار قرار گرفت. این انتخابات توانست ماشین خالص‌سازی را متوقف و تمایل به براندازی را مهار کند. قالیباف با شکست در انتخابات، در شرایط سختی قرار گرفت و جلیلی نیز با سرسختی خود و حامیان‌ش شکست اصول‌گرایان را رقم زد. نتیجه این انتخابات تجلی برتری واقع‌بینی بر توهم‌گرایی، خردگرایی بر عقل‌گریزی و میانه‌روی بر افراط‌گرایی بود. پزشک‌ان با توجه به فراوانی انتقادات، ترکیب مجلس رویکردارکان مختلف نظام و پیچیدگی رفع تحریم‌ها، با شرایط سختی روبه‌روست. او با ترکیبی از اعتمادسازی درون نظام، استفاده از دیدگاه کارشناسان، دیپلماسی فعال و حفظ حمایت حامیان و گسترش آن، می‌تواند مشکلات را مهار کند.